

# رسالات زندان پولس

درس  
پنجم

پولس و فیلیپیان



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: رسالات زندان پولس (درس شماره ۵: پولس و فیلیپیان)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدسی) گرفته شده است.

ii.

جهت دریافت سایر دروس و راهنمای مطالعه به بخش فارسی خدمات مسیحی هزاره سوم مراجعه کنید:

[farsi.thirdmill.org](http://farsi.thirdmill.org)

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

روابط

رنج در زندان

شرایط در فیلیپی

نگرانی برای پولس

مشکلات کلیسا

(۳) ساختار و محتوا

تحيات

شکرگزاری

دعا

بدنه اصلی

استقامت پولس

نصایح برای استقامت

تأيید استقامت

تحيات پایانی

(۴) کاربرد امروزی

ماهیت استقامت

تعریف

ضرورت

تضمین

ذهنیت استقامت

فروتنی

خوش‌بینی

شادی

خدمت استقامت

(۵) نتیجه‌گیری



## پولس و فیلیپیان

### مقدمه

معمولا وقتی سربازان با ابهامات و پیچیدگی‌های جنگ روبرو می‌شوند، ذهن آنها به سوی فکر مرگ می‌رود. آنها به دنبال راهی می‌گردند تا خود و عزیزان‌شان در خانه را تسلی دهند. اکثرا نامه‌ای برای پند و سپاس می‌نویسند و عزیزان‌شان را تشویق می‌کنند تا قوی‌دل باشند و طوری زندگی کنند که باعث افتخار و احترام آنها باشد.

از بسیاری جهات، رسالهٔ پولس به فیلیپیان مانند نامه‌ای از یک سرباز به خانه است که خود را در آستانهٔ مرگ می‌بیند. پولس رسالهٔ فیلیپیان را زمانی نوشت که متحمل رنج زیادی بود، و احتمال داشت که به زودی کشته شود. او به کسانی نامه نوشت که آنها را دوست داشت و به همین خاطر، سخنان او به مسیحیان فیلیپی، سنگین اما دلسوزانه؛ غم‌انگیز اما تسلی‌بخش؛ و قدرشناسانه اما تلخ بود. از دیدگاه پولس، اینها می‌توانست آخرین سخنان پندآمیز و تشکرات قلبی او به دوستان وفادارش باشد.

این پنجمین درس از مجموعه دروس «رسالات زندان پولس» است. این درس را «پولس و فیلیپیان» نامیده‌ایم چون به بررسی نامهٔ پولس به کلیسای فیلیپی خواهیم پرداخت. پولس این نامه را برای دلگرمی فیلیپیان نوشت که نگران رنج‌هایی بودند که او متحمل می‌شد. از آنجا که پولس مرگ زود هنگام خویش را احتمال می‌داد، نامه‌ای برای امید و دلگرمی در زمان جفا و پریشانی‌ای نوشت که او و فیلیپیان با آن روبرو بودند. ما مطالعهٔ خود دربارهٔ پولس و فیلیپیان را به سه بخش تقسیم می‌کنیم: نخست، پیش‌زمینهٔ نامهٔ پولس به فیلیپیان را بررسی می‌کنیم. دوم، نگاهی دقیق به ساختار و محتوای فیلیپیان خواهیم انداخت. و سوم، کاربرد امروزی این نامه را واری خواهیم کرد. بیایید با نگاهی به پیش‌زمینهٔ نامهٔ پولس به فیلیپیان شروع کنیم.

### پیش‌زمینه

همانطور که در طول این مجموعه دروس گفتیم، همیشه مهم است که از شرایط پولس و آنانی که به آنها نامه نوشت مطلع باشیم. آگاهی از این جزئیات به ما کمک می‌کند که خودمان را به درستی با پیام پولس همسو کنیم و پیام او را همانطوری درک کنیم که او در نظر داشت.

بنابراین، در حالیکه به نامه پولس به فیلیپیان نزدیک می‌شویم، می‌باید از خود چنین سوالاتی بپرسیم: فیلیپیان که بودند؟ چه اتفاقاتی در زندگی آنان و پولس در حال وقوع بود؟ و چرا پولس به آنان نامه نوشت؟ پاسخ به چنین سوالاتی به ما کمک می‌کنند که تعلیم مقتدرانه پولس در این نامه را درک کنیم و آن را در زندگی خود به کار ببندیم.

در بررسی پیش‌زمینه رساله پولس به فیلیپیان، توجه‌مان را بر سه موضوع متمرکز خواهیم کرد: اول، به روابط پولس با فیلیپیان توجه خواهیم کرد. دوم، به برخی جزئیات رنج پولس در زندان اشاره می‌کنیم. و سوم، به بررسی شرایط فیلیپی در زمان نگارش این نامه توسط پولس خواهیم پرداخت. بیایید با نگاه به روابط بین پولس و کلیسای فیلیپی شروع کنیم.

### روابط

فیلیپی شهری مهم در استان رومی مقدونیه، و در ناحیه‌ای بود که امروزه در یونان قرار دارد. این شهر در امتداد «ویا اگناتیا» (Via Egnatia) قرار داشت که مسیر اصلی برای ارتباط شهر روم با استان‌های شرقی امپراتوری بود. فیلیپی شرایطی خاص نزد روم داشت که باعث می‌شد از حقوق برابر با یک مستعمره رومی در ایتالیا برخوردار باشد و حتی به شهروندان خود، شهروندی روم اعطا کند.

پولس کلیسای فیلیپی را در حوالی سال ۴۹ یا ۵۰ میلادی، حین سفر دوم بشارتی خود تاسیس کرد. پیش از آنکه به فیلیپی برسد، در حال خدمت در آسیا بود. اما بعد رویایی دریافت کرد که در آن مردی به او التماس می‌کرد تا انجیل را به مقدونیه ببرد. در واکنش به این رویا، پولس از راه دریا به مقدونیه رفت. در نیاپولیس پا به خشکی گذاشت اما به سرعت از راه زمینی خود را به فیلیپی رساند که حدوداً در ۱۶ کیلومتری شمال غربی نیاپولیس بود.

بسیاری از فعالیت‌های پولس در فیلیپی، در کتاب اعمال رسولان ۱۶: ۱۲-۴۰ ثبت شده‌اند. برای مثال، در فیلیپی بود که پولس شاهد ایمان آوردن اولین فرد در اروپا - یعنی لیدیه، بانوی تاجر - از طریق خدمت خود بود. و در همین فیلیپی بود که او به خاطر اخراج ارواح از یک کنیز زندانی شد. همچنین فیلیپی جایی بود که زندان‌بان معروف ایمان خود به مسیح را اعتراف کرد چون تحت تاثیر شفقت پولس نسبت به خود قرار گرفته بود.

خدمت پولس در فیلیپی آنچنان موفق بود که حتی وقتی او شهر را ترک کرد، مسیحیان فیلیپی با هدایای نقدی خود در زمان‌های مختلفی که وی در نیازمندی بود، او را حمایت کردند. گوش کنید که پولس چطور در فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۶ درباره سخاوتمندی آنها نوشته است:

در ابتدای انجیل، چون از مکادونیه روانه شدم، هیچ کلیسا در امر دادن و گرفتن با من شراکت نکرد جز شما و بس. زیرا که در تسالونیکه هم یک دو دفعه برای احتیاج من فرستادید (فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۶).

کلیسای فیلیپی به پولس محبت داشت و معمولاً با کمک‌های مالی خود به او کمک می‌کردند. با توجه به فیلیپیان ۴: ۱۰ و ۱۸، آنها هدیه‌ای هم در زمان نزدیک به نگارش این نامه برای پولس فرستاده بودند. به سخنان پولس در اینجا گوش کنید:

اکنون دیگر بار دغدغه شما برای احتیاجات من شکوفه آورده است. البته شما همیشه به فکر من بوده‌اید، اما فرصت ابراز آن را نداشتید... حال که کمک ارسالی شما را از اپافرودیتوس دریافت کرده‌ام، از همه چیز به فراوانی برخوردارم (فیلیپیان ۴: ۱۰، ۱۸، هزاره نو).

اگرچه به نظر می‌رسد تعدادی از ایمانداران فیلیپی در امنیت اقتصادی بودند، اما کلیسا به معنای کل به طور جدی فقیر بود و به همین خاطر آنها نمی‌توانستند همیشه به پولس کمک مالی بکنند. ولی وقتی که فرصتی پیش می‌آمد، سخاوتمندانه به او می‌بخشیدند. و درست همانطور که فیلیپیان به پولس محبت داشتند، او نیز علاقه زیادی به آنها داشت. او آنها را به خاطر تعهدشان به خداوند و نیز طریقی که به آن، شریک او در خدمت انجیل شده بودند دوست می‌داشت. آنها دوستان نزدیک او بودند؛ افرادی که او از مشارکت با آنها لذت برده و دلتنگ آنها شده بود. بشنوید که او چگونه با آنها در فیلیپیان ۱: ۴-۸ صحبت می‌کند:

پیوسته در هر دعای خود برای جمیع شما به خوشی دعا می‌کنم، به سبب مشارکت شما برای انجیل از روز اول تا به حال... شما را در دل خود می‌دارم... در احشای عیسای مسیح، مشتاق همه شما هستم (فیلیپیان ۱: ۴-۸).

در حقیقت، پولس در فیلیپیان ۲: ۱۲ و ۴: ۱ با استفاده از کلمه یونانی آگاپتس (agapetos) فیلیپیان را «دوستان عزیز» خود خواند. آگاپتس اصطلاحی است که پولس معمولاً برای توصیف صمیمی‌ترین همکاران و دوستان عزیزش مانند تیخیوکوس، اپافراس، فلیمون، اونیسیموس و لوقا استفاده کرد. به نظر می‌رسد که محبت پولس برای کلیسای فیلیپیان خصوصی‌تر و مخصوص‌تر از دیگر کلیساها بود و نه تنها در احساس تعلق و آشنایی، بلکه در یک دوستی جدی متداوم نیز بیان می‌شد.

این موضوع نباید باعث شگفتی ما شود. دشوار نیست که تصور کنیم رابطه نزدیکی بین پولس و لیدیه، میزبان او، وجود داشته باشد؛ یا زندان بانی که پولس جان او را نجات داد؛ و شاید حتی بین پولس و کنیزی که او را از ارواح پلید نجات داد. در تمام این وقایع، محبت پولس برای ایمانداران فیلیپی افزوده شد. و آنها نیز احساسات مشابهی نسبت به او داشتند.

اکنون که رابطه دلسوزانه و حمایت‌گر بین پولس و فیلیپیان را دیدیم، باید به جزئیات رنج پولس رسول در زندان بپردازیم. پولس در زمانی که به فیلیپیان نامه می‌نوشت، در حال تحمل چه چیزی بود؟

### رنج در زندان

پولس در طول خدمت طولانی خود، معمولاً رنج زیادی کشید. او بارها شلاق خورد، با ترکه مورد ضرب و شتم قرار گرفت، و توسط آدم‌کشان تعقیب شد. او به دفعات زندانی شد و حتی سنگسار شد و او را رها کردند تا بمیرد. او نمی‌توانست همیشه این سختی‌ها را به خوبی تحمل کند. گاهی او غمگین بود و حتی مایوس می‌شد. برای نمونه، طی سومین سفر بشارتی خود، در دوم قرنتیان ۱: ۸ اینچنین نوشت:

ای برادران نمی‌خواهیم شما بی‌خبر باشید از تنگی‌ای که در آسیا به ما عارض گردید که بی‌نهایت و فوق از طاقت بار کشیدیم، به حدی که از جان هم مایوس شدیم (دوم قرنتیان ۱: ۸).

در اینجا پولس احساس خود از شکست را توصیف می‌کند؛ از اینکه به خاطر شرایط و وضعیت وحشتناکی که تحمل می‌کرد، امید خود را موقتاً از دست داده بود.

پولس می‌دانست که زندگی هرگز کاملاً خالی از امید نیست و خدا قادر است که ما را از هر مشکلی نجات دهد. اما او یک انسان هم بود؛ درست مثل ما نقطه ضعف‌هایی داشت. حقیقت این است که گاهی آگاهی و اعتماد به حاکمیت مطلق خدا برای دور نگه داشتن ما از یأس کافی نیست. حتی پولس نیز با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کرد. حتی پولس نیز می‌خواست تسلیم شود. حتی پولس احساس کرد که وا گذارده شده است.

و همینطور که جزئیات رساله او به فیلیپیان را می‌خوانیم، به نظر می‌رسد که احتمالاً در زمان نگارش این نامه برای کلیسایی که بسیار آن را دوست می‌داشت هم درگیر چنین احساسات مشابهی بود. الاهیات او، او را محکم در حقیقت نگه می‌داشت و تشویقش می‌کرد که حتی از طریق رنج هم، خدا برای خیریت او در کار است. اما قلب پولس سنگین، و اندوه او عمیق بود.

پولس در نامه خود به فیلیپیان از تمام مشکلاتی که برای او بار ذهنی شده بودند، پرده برداشت. اما او درباره بعضی از آنها سخن گفت و تاثیر کلی‌ای که تمام این مشکلات بر روح و روان او داشتند را آشکار کرد. برای نمونه، او بارها از مرگ به عنوان تسکینی خوش از رنج‌هایش صحبت کرد. برای مثال، در فیلیپیان ۳: ۱۰ اینطور نوشت:



می‌خواهم مسیح و نیروی رستاخیزش را بشناسم و در رنج‌های او سهیم شده، با مرگش هم‌شکل گردم (فیلیپیان ۳: ۱۰، هزاره نو).

در این آیه، پولس آشکار کرد که رنج‌های کنونی او آنچنان عظیم بودند که مرگ، بهترین امید او برای فرار از آنها بود. و او رنج‌های موجود خود را وسیله‌ای برای مرگ خود می‌دید. پولس دیدگاه خود را در فیلیپیان ۱: ۲۰ اینچنین شرح داد:

مشتاقانه انتظار می‌کشم و امید دارم که در هیچ چیز سرافکننده نخواهم شد، بلکه با کمال دلیری، اکنون نیز چون همیشه، مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در مرگ و خواه در زندگی (فیلیپیان ۱: ۲۰، هزاره نو).

پولس در این برهه دلگرم نبود، اما امید داشت که پیش از آنکه آزمایش شود آن را به دست بیاورد. او نگران احترام به مسیح بود — چه با ایستادگی شایسته در برابر آزمایش، و یا مرگ با عزت و اراده، و دست نکشیدن از اعتراف به ایمان خود. بلافاصله بعد از این، پولس آرزوی مرگ خود را با این کلمات بیان می‌کند:

مرا زیستن مسیح است، و مردن، سود. اگر می‌باید به حیات خود در این بدن ادامه دهم، این برایم به منزله کار و کوششی پرثمر خواهد بود.... بین این دو سخت در کشمکشم: چرا که آرزو دارم رخت از این جهان بر بندم و با مسیح باشم، که این به مراتب بهتر است (فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۳، هزاره نو).

پولس در زمانی که این را می‌نوشت، می‌خواست بمیرد. اما معمولاً می‌خواست زندگی و موعظه کند — که انجیل را به اماکن و نزد افراد جدید ببرد، و تا نجات را به جهان بدهد.

البته، تحت شرایط عادی مسیحیان نباید در پی مردن باشند. بله؛ ما در زمان مرگمان با خداوند خواهیم بود و می‌باید انتظار آن را بکشیم، اما نه آنقدر که مرگ را مانند یک دوست در بر بگیریم. ما برای حیات خلق شدیم و کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مرگ یک لعنت است. خود پولس در اول قرن‌تین ۱۵: ۲۶ مرگ را «دشمن» خواند. اما در این نقطه از زندگی پولس، شرایط آنقدر غم‌افزا بود که مزایای با مسیح بودن بر میل او به خدمت و نیز تنفرش از مرگ، سنگینی می‌کرد.

اشاره پولس به وضعیت آشفته ذهنی‌اش صرفاً به خاطر تمایل او به مرگ نبود. او در چند جای دیگر هم صراحتاً آن را بیان کرد. به طور مثال، او در فیلیپیان ۲: ۲۷-۲۸ درباره بهبودی اپافرودیتوس از بیماری اینطور صحبت می‌کند:

[اپافرودیتوس] بیمار و مشرف بر موت بود، لیکن خدا بر وی ترحم فرمود و نه بر او فقط بلکه بر من نیز تا مرا غمی بر غم نباشد. پس به سعی بیشتر او را روانه نمودم تا از دیدنش باز شاد شوید و حزن من کمتر شود (فیلیپیان ۲: ۲۷-۲۸).

مرگ اپافرودیتوس غمی بر غم‌هایی که پولس متحمل آنها بود اضافه می‌کرد. و اگرچه فرستادن اپافرودیتوس به فیلیپی از تشویش پولس می‌کاست، اما آن را از بین نمی‌برد. احتمالاً بهترین توضیح برای غم و تشویش پولس و بیانات او دربارهٔ مرگ این است که او در این نقطه از زندگی‌اش در معرض خطری جدی بود. همانطور که در یکی از درس‌های پیشین دیدیم، او این نامه را از روم و یا از قیصریهٔ ماریتیم نوشت. اگر از روم نوشته باشد، خطر می‌توانست احتمالاً این باشد که انتظار محکومیت از طرف قیصر را داشت. و اگر از قیصریهٔ ماریتیم نوشته باشد، شاید نگران نقشهٔ یهودیان برای قتل خود بود. اما این تهدید قریب‌الوقوع هرچه که بوده باشد، به نظر می‌رسد پولس به این احتمال حقیقی می‌اندیشید که به زودی خواهد مرد. برای نمونه، در فیلیپیان ۱: ۲۰ او امیدوارانه نوشت: «مسیح در بدن من جلال خواهد یافت، خواه در حیات و خواه در موت.» و در ۱: ۲۲ اشاره کرد که گویی امکان انتخاب مرگ را دارد و اینطور نوشت: «اگر می‌باید به حیات خود در این بدن ادامه دهم، این برایم به منزلهٔ کار و کوششی پرثمر خواهد بود. و نمی‌دانم کدام را برگزینم!» (هزارهٔ نو). در ۲: ۱۷ از این احتمال صحبت کرد که شاید «چون هدیه‌ای ریختنی، بر قربانی و خدمت ایمان» ریخته شود (هزارهٔ نو). و در ۳: ۱۰ چنین بیان کرد که شراکت کنونی او در رنج‌های مسیح شاید منجر به مرگی هم‌شکل با او شود.

اما پولس نسبت به مرگ خود کاملاً متقاعد نشده بود. جای دیگری در این نامه ابراز امیدواری کرد که زنده می‌ماند. برای مثال، در فیلیپیان ۱: ۲۵ نوشت، «می‌دانم که خواهم ماند» که انتظار او را برای زنده ماندن و ادامهٔ خدمت به فیلیپیان نشان می‌دهد.

پولس کاملاً مطمئن نبود که چه اتفاقی برای او خواهد افتاد. از یک طرف، می‌دانست که مرگ او یک احتمال حقیقی است و کوشید تا دوستانش در فیلیپی را برای بدترین حالت ممکن آماده کند. از طرف دیگر، تا حدی انتظار داشت که زنده بماند و آنان را تشویق کرد تا به بهترین‌ها امیدوار باشند. اما هر آنچه که آینده برای او در چنته داشت، در زمانی که این نامه را نوشت در چنان رنج عظیمی بود که با غم و اندوه دست به گریبان بود.

حال که به روابط پولس با فیلیپیان و رنج‌های او در زندان نگاه کردیم، باید به بررسی شرایطی بپردازیم که در زمان نگارش نامهٔ پولس، در فیلیپی وجود داشت. آنها با چه موقعیتی روبرو بودند که توجه و پند پولس را می‌طلبید؟

### شرایط در فیلیپی

پولس به شرایط مختلفی در کلیسای فیلیپی اشاره کرد اما ما فقط بر دو مورد متمرکز می‌شویم: نگرانی کلیسای فیلیپیان برای پولس، و مشکلات درونی و بیرونی‌ای که برای کلیسای فیلیپی وجود داشت. بیایید با اشاره به نگرانی فیلیپیان برای پولس شروع کنیم.

### نگرانی برای پولس

کلیسای فیلیپی در کل رابطه‌ای قوی و محبت‌آمیز با پولس رسول داشت. و وقتی درباره‌ی رنج‌های او در زندان شنیدند، ناراحت و نگران او شدند. بنابراین، به محض آنکه توانستند، نگرانی خود را با ارسال هدیه‌ای برای رفع نیازهای زمینی پولس، و اعزام اپافرودیتوس برای تحویل هدیه و خدمت به پولس در زندان نشان دادند. پولس در فیلیپیان ۴: ۱۸ با نوشتن یادداشتی تشکرآمیز، به این هدیه اشاره کرد:

وجه کامل به من پرداخت شد و بیش از احتیاج خود دارم. حال که کمک ارسالی شما را از اپافرودیتوس دریافت کرده‌ام، از همه چیز به فراوانی برخوردارم. هدیه شما عطر خوشبو و قربانی مقبولی است که خدا را خشنود می‌سازد (فیلیپیان ۴: ۱۸، هزاره نو).

همانطور که اشاره کردیم، فیلیپیان ثروتمند نبودند؛ بنابراین ارسال این هدیه، مستلزم یک فداکاری بزرگ از طرف آنها بود. اما آنان مشتاقانه این هدیه را ارسال کردند چون نگرانی زیادی برای سلامتی و خوشی پولس داشتند. و همانطور که در فیلیپیان ۲: ۲۵ می‌خوانیم، کلیسای فیلیپی اپافرودیتوس را نیز برای خدمت به پولس در زندان، فرستاد. به کلام پولس در اینجا گوش کنید:

لازم می‌دانم اپافرودیتوس را نزد شما باز پس فرستم، او را که از یک سو برادر، همکار و هم‌رزمن من است، و از سوی دیگر، فرستاده شما برای رسیدگی به نیازهای من (فیلیپیان ۲: ۲۵، هزاره نو).

از قرار معلوم، اپافرودیتوس گزارشی نیز به دست پولس رساند که ترس فیلیپیان از مورد جفا قرار گرفتن او از سوی دیگر ایمانداران و خطر مرگی که برای او وجود داشت را ابراز می‌کرد. و پولس در نامه خود به آنان تایید کرد که وضعیت او را به درستی درک کرده‌اند و از نگرانی آنها ابراز قدردانی کرد. برای مثال، در فیلیپیان ۱: ۱۵-۱۷، او تصدیق کرد که بعضی از واعظین انجیل برای او مشکل ایجاد کرده بودند. او وضعیت خود را اینطور توصیف کرد:

بعضی از حسد و حس رقابت مسیح را وعظ می‌کنند... از سرِ جاه‌طلبی... نه با خلوص‌نیت، با این گمان که بر رنج‌های من در زندان می‌افزایند (فیلیپیان ۱: ۱۵-۱۷، هزارهٔ نو).

در حقیقت، یکی از دلایل اندوه پولس این بود که تعداد اندکی از ایمانداران و راهبران مسیحی اطراف او خود را صادقانه وقف خدمت انجیل کرده بودند. گوش کنید که او در فیلیپیان ۲: ۲۱ در این باره چه می‌گوید:

همه نفع خود را می‌طلبند، نه امور عیسای مسیح را (فیلیپیان ۲: ۲۱).

به طور خلاصه، فیلیپیان حق داشتند که در این برههٔ زمانی نگران پولس باشند. مشکلات پولس عظیم بودند و حمایت از او اندک بود.

اما فیلیپیان صرفاً نگران این حقیقت نبودند که پولس رنج می‌کشید. آنها همچنین نگران این بودند که احتمال داشت او از طریق قتل و یا اعدام در ملاء عام کشته شود. این ترس‌ها کاملاً موجه بودند. همانطور که در درس‌های پیشین دیدیم، یهودیان بیش از یک بار برای قتل پولس کوشیده بودند و مجازات جرمی که او به آن متهم شده بود، مرگ بود. بنابراین، فیلیپیان به خاطر نگرانی عمیقی که برای پولس داشتند، خود را وقف دعا برای او کرده بودند. پولس با این کلمات تشویق‌آمیز در فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۰، از آنها به خاطر دعاهای‌شان تشکر کرد:

می‌دانم که با دعاهای شما و یاری روح عیسای مسیح، اینها به نجات من خواهد انجامید، چنانکه مشتاقانه انتظار می‌کشم و امید دارم که... مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در مرگ و خواه در زندگی (فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۰، هزارهٔ نو).

پولس قدردان دعاهای فیلیپیان بود و به آنان اطمینان داد که حتی مرگ می‌تواند برای او نوعی رهایی خوشایند از رنج‌هایش باشد.

بعد از توجه به نگرانی فیلیپیان برای سلامتی و خوشی پولس، اکنون باید به برخی از مشکلاتی نگاه کنیم که کلیسای فیلیپی با آنها مواجه بود و از منابع متعددی بر می‌خاستند.

### مشکلات کلیسا

کلیسای فیلیپی حداقل با سه نوع مشکل روبرو بود: اول، به نظر می‌رسد که آنها با جفا از طرف افراد خارج از کلیسا روبرو بودند. دوم، در خطر احتمالی تعالیم غلطی مشابه با آنچه در کلیساهای دیگر نفوذ کرده بود قرار داشتند. و سوم، درگیر مناقشات شخصی بین افراد در کلیسای‌شان بودند. پولس در فیلیپیان ۱: ۲۷-۳۰ به جفایی اشاره کرد که آنها تحت آن قرار داشتند و اینطور نوشت:

در یک روح استوارید و چون یک تن، دوش به دوش برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید، و در هیچ چیز از مخالفان هراسی ندارید... زیرا این افتخار نصیب شما شده که... در راه او رنج هم ببرید. چراکه شما را همان مجاهده است که مرا مشغول به آن دیدید و اکنون می‌شنوید که هنوز هم بدان مشغولم (فیلیپیان ۱: ۲۷-۳۰، هزاره نو).

چند سال پیش‌تر، پس از اینکه پولس کلیسای فیلیپی را تاسیس کرد، با مقاومت زیادی از طرف یهودیان در شهر همسایه تسالونیک روبرو شده بود که آن هم در استان مقدونیه بود. همانطور که در اعمال ۱۷: ۵-۱۳ می‌خوانیم، این یهودیان خشمگین پولس و دیگر ایمانداران را به نقض قوانین روم متهم کرده بودند. در نتیجه، پولس مجبور شد برای احتراز از جفای بیشتر یهودیان و دستگیری توسط دولت، شبانه از شهر فرار کند. این یهودیان اهل تسالونیکي آنچنان متعصب بودند که حتی پولس را تا شهر بیریه تعقیب کردند. بنابراین، منطقی است که فکر کنیم همین یهودیان یا دیگرانی مانند آنها، برای کلیسای فیلیپی هم مشکل ایجاد کرده و شاید دولت محلی را علیه کلیسا برانگیخته بودند. اما ماهیت جفا در فیلیپی هرچه بوده باشد، حداقل واضح است که کلیسا از دست غیر ایمانداران واقعا در رنج بود.

دومین مشکلی که پیش روی کلیسای فیلیپیان قرار داشت، خطر تعالیم غلط بود. البته، به نظر می‌رسد که هنوز تعالیم غلط عمیقاً کلیسای فیلیپی را تحت تاثیر قرار نداده بود چون پولس مستقیماً به آن نپرداخت. اما او فیلیپیان را برای مقابله با هر نوع تعالیم غلطی که ممکن بود به شهر آنها برسد آماده کرد. به سخنان پولس درباره ختنه در فیلیپیان ۳: ۱-۳ توجه کنید:

تکرار این مطالب زحمتی برایم نیست بلکه ایمنی شماست. از آن سگ‌ها برحذر باشید! از آن شرارت‌پیشگان بپرهیزید! از آن مثله‌کنندگان دوری کنید! زیرا ختنه‌شدگان واقعی ما بیم (فیلیپیان ۳: ۱-۳، هزاره نو).

پولس نگران بود که معلمین کذب‌ای که از سوءاستفاده از ختنه دفاع می‌کردند، احتمالاً برای کلیسای فیلیپی مشکل ایجاد کنند. او همچنین در فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹ تعالیم غلط را محکوم کرد:

همان گونه که بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز اشک‌ریزان تکرار می‌کنم، بسیاری چون دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند. عاقبت چنین کسان هلاکت است. خدای آنان شکم‌شان است و به چیزهای ننگ‌آور مباحثات می‌کنند، و افکارشان معطوف به امور زمینی است (فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹، هزاره نو).

لحن پولس در اینجا به توصیف تعدادی از تعالیم دروغین می‌پردازد که شامل ریاضت‌های خوراکی و نیز استفاده ناصحیح از قوانین غذایی عهد عتیق می‌شد.

این نوع تعالیم غلط می‌توانست از دو منبع ناشی شود. از یک سو، شاید پولس نگران بدعت‌هایی بود که کلیساهای کولسی و دیگر شهرهای دره لیکوس را تهدید می‌کردند.

همانطور که در یکی از درس‌های پیشین اشاره کردیم، این تعالیم غلط در دره لیکوس، تعالیم مسیحی را با عناصر فلسفه یونانی، ریاضت، و انحرافات شریعت یهود ترکیب کرده بودند. برای مثال، پولس به‌طور خاص در کولسیان ۲: ۱۱-۱۲ این تعالیم غلط را با استفاده نادرست از ختنه، و در کولسیان ۲: ۲۰-۲۳ به ریاضت‌های خوراکی ربط داد.

از سوی دیگر، شاید او نگران مسیحیان یهودی‌مسلك از اورشلیم بود؛ مانند آنانی که او مدت‌ها پیش علیه آنها در غلاطیان ۲: ۱۱-۲۱ و اخیراً نیز در رومیان ۴: ۹-۱۷ نوشته بود. همچنین ممکن است او طی سفرش به اورشلیم با آنها درگیری پیدا کرد که منجر به حبس کنونی‌اش شده بود. یهودی‌مسلكان نیز مانند معلمین کذبۀ دره لیکوس، با سوءاستفاده از ختنه و رژیم‌های غذایی، ایمانداران غیر یهودی را مجبور می‌کردند که تابع روش‌های منسوخ‌شده تبعیت از شریعت عهد عتیق باشند.

در آخر، فیلیپیان علاوه بر جفا و تعالیم غلط، درگیر منازعات شخصی میان ایمانداران در کلیسا نیز بودند. پولس با این نصیحت در فیلیپیان ۲: ۱-۳، اشاره‌ای کلی به این منازعات کرد:

اگر نصیحتی در مسیح، یا تسلی محبت، یا شراکت در روح، یا شفقت و رحمت هست... با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل بشوید و یک فکر داشته باشید. و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید (فیلیپیان ۲: ۱-۳).

و در فیلیپیان ۴: ۲ دو زن را نصیحت کرد که به نظر می‌رسید قادر به حل اختلافات‌شان نبودند:

از افودیه استدعا دارم و به سنتیخی التماس دارم که در خداوند یک رأی باشند (فیلیپیان ۴: ۲).

منازعات داخلی در فیلیپی مستلزم تادیب تند نبودند. با این حال، مخرب، بی‌فایده، و گناه‌آلود بودند. منازعات خودمحور و بی‌محبت هرگز در کلیسا پذیرفتنی نیستند. به همین خاطر، پولس تأکید قابل توجهی بر اهمیت اتحاد و محبت در کلیسا داشت.

اکنون که به پیش‌زمینه فیلیپیان نگاه کردیم، آماده‌ایم تا به موضوع دوم بپردازیم: ساختار و محتوای نامه کانتی پولس به کلیسای فیلیپی.

## ساختار و محتوا

در بررسی ساختار و محتوای نامه پولس به فیلیپیان، این نامه را به شش بخش اصلی تقسیم می‌کنیم: تحیات در ۱: ۱-۲؛ قسمت شکرگزاری در ۱: ۳-۸؛ دعای پولس برای فیلیپیان در ۱: ۹-۱۱؛ بدنه اصلی نامه در ۱: ۱۲-۴: ۲۰؛ و تحیات پایانی در ۴: ۲۱-۲۳. بیایید با تحیات در آیات ۱ و ۲ شروع کنیم.

### تحیات

تحیات در ۱: ۱-۲، پولس را به عنوان نویسنده اصلی نامه معرفی می‌کند، و توضیح می‌دهد که نامه از طرف تیموتائوس نیز هست. در سرتاسر این نامه، پولس به طور مداوم با استفاده از ضمائر مفرد مانند «من» به جای «ما» به خود اشاره کرد. و در فیلیپیان ۲: ۱۹ و ۲۲ با استفاده از ضمیر سوم شخص به تیموتائوس اشاره کرد. تحیات نامه فیلیپیان به نوعی با نامه‌های دیگر پولس متفاوت است چون اشاره‌ای به رسالت پولس نمی‌کند. فقط اول و دوم تسالونیکیان و فلیمون در این فرق مشترک هستند. اما تمام این سه نامه دیگر، در بخشی خارج از تحیات به اقتدار رسولانی پولس اشاره می‌کنند. فقط در فیلیپیان است که در سرتاسر نامه جایی را نمی‌یابیم که پولس صریحاً توجهات را به اقتدار رسولانی خود جلب کند.

البته این، دلالتی بر فقدان اقتدار رسولانی در نامه پولس به فیلیپیان نیست. بلکه، شهادتی بر رابطه او با فیلیپیان، احترام زیاد آنان به پولس، و اشتیاق آنان برای خشنودی خدا است. نیازی نبود که پولس حتی یک بار هم مقام و اقتدار خود را به آنان یادآوری کند.

پولس در پی تحیات، در ۱: ۳-۸ به بخش شکرگزاری می‌رود. این حرکت از تحیات به شکرگزاری، تداوم شیوه‌ای است که پولس در اکثر نامه‌های کانتی خود دنبال کرد؛ غلاطیان و تیتوس تنها استثناها هستند.

### شکرگزاری

اولین بخش شکرگزاری پولس را می‌توان در ۱: ۳-۶ یافت که بیانیه‌ای نسبتاً معیار از شکرگزاری ارائه می‌دهد و درباره شادی‌ای که فیلیپیان برای پولس به بار آوردند، و نیز از انتظار او برای نجات نهایی آنان صحبت می‌کند.

اما در عوض، فیلیپیان ۱: ۷-۸ در شکرگزاری‌های پولس بی‌مانند است و بر محبت او به فیلیپیان تاکید می‌کند. به سخنان او در این بخش گوش کنید:

به‌جاست که دربارهٔ جمیع شما چنین بیندیشم، چرا که در دل من جای دارید... خدا شاهد است که با عواطف خود مسیح عیسی، مشتاق همهٔ شما هستم (فیلیپیان ۱: ۷-۸، هزارهٔ نو).

این آیات نشان می‌دهند که رابطهٔ پولس با فیلیپیان عمیقاً شخصی و قلبی بودند.

### دعا

پولس پس از شکرگزاری خود، برای فیلیپیان در ۱: ۹-۱۱ دعا کرد. این دعا نسبتاً کوتاه است اما از عباراتی تشکیل شده که بازتابی از تاکیدات کل نامه هستند.

اساساً پولس دعا کرد تا فیلیپیان محبت مسیحی خود را با زندگی به شکلی که باعث تکریم خدا شود نشان دهند. نخست، دعا کرد که آنها از تمییز لازم برای قضاوت صحیح برخوردار باشند. دوم، دعا کرد که این تمییز، آنان را به سوی انجام کارهای نیکو سوق دهد و آنها را در ایمان و عمل تا بازگشت مسیح برای داوری حفظ کند. در نهایت، او دعا کرد که فیلیپیان از طریق اعمال نیکو و مداومت خود باعث جلال و ستایش خدا شوند.

پولس پس از دعا، به سراغ بدنهٔ اصلی نامهٔ خود رفت که در ۱: ۱۲-۴: ۲۰ یافت می‌شود. این بخش توسط محققان مختلف به روش‌های گوناگونی خلاصه شده است. اما خلاصهٔ ما در این درس، به طور اصلی جریان منطقی تشویق‌ها و تعالیم پولس به کلیسای فیلیپیان را دنبال می‌کند.

### بدنهٔ اصلی

هنگامی که پولس به فیلیپیان نامه نوشت، در رنج عظیمی بود و حیات او در معرض خطر قرار داشت. در نتیجهٔ این امور، او با اضطراب و مشکلات محاصره شده بود. حتی شاید بتوانیم بگوییم کاملاً امید خود را از دست داده بود. و از چنین زمینهٔ فکری‌ای بود که به ایمانداران در فیلیپی نامه نوشت.



پولس می‌دانست که اینها می‌توانند آخرین سخنان او برای آنان باشند. بنابراین، او احساسات عمیق خود به آنها را بیان کرد، و آنان را از محبت زیادی که به ایشان داشت، و نیز اینکه چقدر برای دوستی و خدمات آنان شکرگزار است مطلع ساخت. او همچنین آخرین سخنان حکمت‌آمیز خود را بیان کرد و به آنان تعلیم داد تا با سختی‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که باعث تکریم خدا شود.

با در نظر داشتن این چشم‌انداز کلی به فیلیپیان، می‌توانیم این نظام فکری او در بدنه نامه‌اش را درک کنیم: نخست، توضیحی از استقامت پولس در زندان در ۱: ۱۲-۲۶؛ دوم، نصایح او به فیلیپیان برای استقامت در ۱: ۲۷-۴: ۹؛ و سوم، تایید استقامت فیلیپیان از سوی پولس در ۴: ۱۰-۲۰. ما به هر یک از این بخش‌ها نگاهی عمیق‌تر خواهیم انداخت. بیایید با استقامت پولس در زندان که در ۱: ۱۲-۲۶ آمده، شروع کنیم.

### استقامت پولس

استقامت پولس در زندان، نه با انکار رنج‌هایش بود و نه با پذیرفتن آن؛ بلکه با یافتن دلایلی برای شادی علیرغم رنج‌هایی بود که می‌کشید. او با صرف زمان کافی، به توضیح و دفاع از شادی خود پرداخت تا فیلیپیان را تشویق کند که نگران او نباشند. پولس قدردان نگرانی آنها بود، اما نمی‌خواست که به خاطر شرایط او مضطرب باشند.

در این بخش از نامه او بر سه منبع شادی متمرکز شد که در میانه غم‌های خود یافته بود: موفقیت خدمات کنونی‌اش در آیات ۱۲-۱۸؛ امید برای رهایی آینده در آیات ۱۸-۲۱؛ و انتظار او برای خدمات آینده در آیات ۲۲-۲۶. پولس توضیح داد که با تمرکز بر این امور نیکو، بهتر می‌توانست سختی‌های خود را تحمل کند. برای مثال، در آیات ۱۲ تا بخش اول ۱۸، او تشریح کرد که اگرچه در زندان رنج می‌کشید، اما خوشحال است که خدمت کنونی او به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. به شرح او در فیلیپیان ۱: ۱۷-۱۸ گوش کنید:

[برخی] از سر جاه‌طلبی به مسیح وعظ می‌کنند، نه با خلوص‌نیت، با این گمان که بر رنج‌های من در زندان می‌افزایند. اما چه باک؟ مهم این است که به هر صورت، مسیح موعظه شود، چه نیت درست باشد، چه نادرست؛ و من از این بابت شادانم (فیلیپیان ۱: ۱۷-۱۸، هزاره نو).

بخشی از رنج پولس به خاطر مبشران معاندی بود که برای او مشکل درست کرده بودند. اما با وجود اینکه آنها شخصا به او صدمه زده بودند، پولس از این حقیقت شاد بود که انجیل حقیقی را موعظه می‌کنند. پولس همچنین از امید خود به رهایی آینده خوشحال بود که در بخش دوم آیه ۱۸ تا آیه ۲۱ توصیف کرد. او بر این امکان متمرکز شد که شاید نهایتاً از زندان آزاد شود. اما همانطور که گفتیم، رنج پولس در این زمان آنچنان

شدید بود که حتی مرگ می‌توانست برای او به مثابه تسکینی خوش باشد. و بنابراین، او به این امید دلگرم بود که رنج‌اش بالاخره یا با تبرئه و یا با مرگ تسکین خواهد یافت. او این دیدگاه خود را در فیلیپیان ۱: ۱۸-۲۱ توضیح داد:

آری، و باز هم شادی خواهم کرد، زیرا می‌دانم که... اینها به نجات من خواهد انجامید... خواه در مرگ و خواه در زندگی. زیرا مرا زیستن مسیح است، و مردن، سود (فیلیپیان ۱: ۱۸-۲۱، هزاره نو).

از یک جهت، خطر مرگ مشکلات زیادی برای پولس ایجاد کرده بود. اما از طرف دیگر، می‌توانست شادی فرای مرگ خود را ببیند که در بهشت و در حضور مسیح است. و با تمرکز بر آزادی و بهشت، قادر بود تا حدی در میانه مشکلاتش، شاد شود.

به طریقی بسیار مشابه، پولس در فیلیپیان ۱: ۲۲-۲۶ نیز به احتمال خدمات آینده به فیلیپیان به عنوان منبعی برای شادی نگاه کرد. به دلگرمی‌های او در فیلیپیان ۱: ۲۵-۲۶ گوش کنید:

می‌دانم که برای پیشرفت و شادی شما در ایمان، زنده خواهم ماند و با همه شما به سر خواهم برد، تا با دوباره آمدن نزد شما، فخرتان در مسیح عیسی به سبب من افزون گردد (فیلیپیان ۱: ۲۵-۲۶، هزاره نو).

فیلیپیان به قدری پولس را دوست داشتند که از شنیدن درباره امید او به زندگی، تسکین پیدا می‌کردند. او نیز آنان را دوست داشت و از تفکر درباره سعادت آنها در مسیح، آرامی و رضایت می‌یافت.

### نصایح برای استقامت

پولس پس از استفاده از استقامت خود در زندان برای تشویق فیلیپیان که نگران او نباشند، بخشی طولانی از نصایح به فیلیپیان را در ۱: ۲۷-۴: ۹ نامه خود گنجاند. در اینجا پولس به آنان تعلیم داد که به مسیح وفادار بمانند و حتی در میانه شرایط اضطراب‌آور، یک زندگی نمونه داشته باشند.

تعبیر ما از نصایح پولس به بحث درباره این چهار موضوع اصلی می‌پردازد: اهمیت استقامت در ۱: ۲۷-۲: ۱۸؛ کمکی که خدمت‌گزاران به استقامت می‌کنند در ۲: ۱۹-۳: ۱؛ و نهایتاً، تعلیم او درباره چالش‌های پیش روی استقامت در ۳: ۱۷-۴: ۹؛ بیابید ابتدا بینیم پولس درباره اهمیت استقامت در ایمان و عمل مسیحی چه گفت.

پولس در فیلیپیان ۱: ۲۷-۲۹، تقلای فیلیپیان با سختی‌ها را تصدیق کرد و با این سخنان به آنها دلگرمی

بخشید:

در یک روح استوارید و چون یک تن، دوش به دوش برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید، و در هیچ چیز از مخالفان هراسی ندارید... و این از خداست... که... در راه او رنج هم ببرید (فیلیپیان ۱: ۲۷-۲۹، هزاره نو).

رنج‌های فیلیپیان موجب پریشانی و دردناک بود. اما آنها خارج از کنترل خدا نبودند. برعکس، خود خدا طرح رنج آنان را به عنوان وسیله‌ای برای برکت آنها ریخته بود. و به همین خاطر، بسیار مهم بود که در این زمان‌های سخت هم با حفظ ایمان و هم با یک زندگی درست، استقامت کنند.

همانطور که در درس‌های دیگر دیدیم، عمل رنج مسیح تا بازگشت او پایان نمی‌یابد. در عین حال، او رنج‌های مقررش را از طریق کلیسا کامل می‌کند. چون ایمانداران در اتحاد با مسیح هستند، وقتی ما رنج می‌بریم، مسیح رنج می‌برد. و از دیدگاه پولس، این نه تنها وسیله‌ای برای تکمیل رنج‌های مقرر مسیح، بلکه یک مدال افتخار بود.

همانطور که کمی پیش‌تر در فیلیپیان ۱: ۲۷-۲۹ خواندیم، خدا نه تنها «اجازه» داد که فیلیپیان رنج بکشند، بلکه به آنها «اعطا» نیز کرد که رنج بکشند. پولس این تفکر را در فیلیپیان ۲: ۵-۹ باز می‌کند و توضیح می‌دهد:

همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت... خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید. پس خدا نیز او را به‌غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نام‌ها بدو بخشید (فیلیپیان ۲: ۵-۹، هزاره نو).

عیسی برای منفعت کلیسا، به اراده خود متحمل رنج و بدرفتاری شد و پاداش او برای این فداکاری به شکلی غیر قابل قیاس، عظیم بود. به همین طریق، ایمانداران نیز باید برای منفعت کلیسا رنج و بد رفتاری را تحمل کنند. و وقتی چنین کنیم، پاداش ما نیز عظیم خواهد بود. به همین دلیل بود که پولس می‌توانست این سخنان را در فیلیپیان ۲: ۱۷-۱۸ بنویسد:

حتی اگر چون هدیه‌ای ریختنی، بر قربانی و خدمت ایمان‌تان ریخته شوم، خوشحالم و با همه شما شادی می‌کنم. و شما نیز باید همین‌گونه خوشحال باشید و با من شادی کنید (فیلیپیان ۲: ۱۷-۱۸، هزاره نو).

پولس نه تنها می‌خواست که فیلیپیان متحمل رنج‌های مقرر خود شوند، بلکه تا در آن میان به خاطر برکات ناشی از رنج‌ها، شاد باشند. علاوه بر این، او از آنها می‌خواست تا در برکاتی که نتیجه رنج‌های خود او هستند نیز شادی کنند؛ درست همانطور که پولس از برکات حاصل از رنج‌های آنان شاد شد.

پولس ایمانداران را تشویق کرد که بر پاداش‌های رنج کشیدن متمرکز شوند تا بتوانند توان و دلگرمی استقامت در ایمان و زندگی مقدس را حتی تحت فشار زیاد، داشته باشند. به هر روی، اگر آنها تحمل نمی‌کردند، نمی‌توانستند برکاتی که رنج به بار می‌آورد را به دست بیاورند.

پولس پس از تأکید بر استقامت و الهام‌بخشی به آنان با برکات آن، کمک عملی خود برای استقامت آنها در طی دشواری‌هایی که تحمل می‌کردند را از طریق ارسال خدمت‌گزارانی که مراقب آنها باشند ارائه کرد.

پولس می‌دانست که این نامه به فیلیپیان خواهد آموخت تا چگونه با رنج برخورد کنند. اما او این را نیز درک می‌کرد که تحمل رنج می‌تواند چقدر آسان‌تر باشد اگر ما افرادی حقیقی در دسترس داشته باشیم که در امور روزانه به ما کمک می‌کنند و درست در کنار ما، با ما، رنج می‌کشند. بنابراین، پولس مصمم بود که در کنار این نامه، دوستان خود را نیز بفرستد تا در زمان احتیاج فیلیپیان، به آنها خدمت کنند.

نخست، پولس در نظر داشت تا اپافرودیتس را بفرستد که فرستاده خود فیلیپیان بود و در اصل آمده بود تا به پولس خدمت کند. احتمالاً اپافرودیتوس همان فردی است که نامه پولس را به فیلیپیان رساند. همانطور که از فیلیپیان ۲: ۲۵-۳۰ می‌آموزیم، کلیسای فیلیپی نگران اپافرودیتوس بود چون او بیمار شده بود، و این باعث دلواپسی اپافرودیتوس شده بود که آنها اینقدر نگران بودند. بنابراین، پولس اپافرودیتوس را به نزد آنان پس فرستاد تا باعث آرامش ذهن‌شان شود و به آنها خدمت کند.

سپس، پولس در نظر داشت تا تیموتائوس را به فیلیپی بفرستد. در آن هنگام، او با پولس در زندان بود و در این دوران پریشانی به او خدمت می‌کرد. اما همانطور که در فیلیپیان ۲: ۱۹ می‌خوانیم، پولس انتظار داشت که در آینده نزدیک بتواند او را برای خدمت به فیلیپیان بفرستد.

در نهایت، پولس امیدوار بود که از زندان آزاد شود و خودش شخصا برای خدمت به فیلیپیان برود. او این انتظار خود را در فیلیپیان ۲: ۲۴ بیان کرد و نوشت:

در خداوند اعتماد دارم که خود هم به زودی بیایم (فیلیپیان ۲: ۲۴).

کلمه یونانی «پپویتا» (pepoitha) که در اینجا «اعتماد» ترجمه شده، بهتر است «راغب» ترجمه شود. پولس به آزادی خود امیدوار بود اما از آن مطمئن نبود.

در تمام این وقایع، پولس می‌دانست وجود انسان‌های دلسوز برای کلیسای فیلیپی که زیر بار سختی‌ها قرار داشت، بسیار ارزشمند است. به همین خاطر، برنامه‌ای را تنظیم کرد تا به طور منظم برای آنان خدمت‌گزارانی آزموده و با محبت فراهم کند.

در بخش بعدی نصایح که در فیلیپیان ۳: ۱-۱۶ است، پولس خود را به عنوان یک نمونه مثبت استقامت در ایمان، هم از لحاظ ذهنی و هم رفتاری معرفی می‌کند.

به‌طور خاص، پولس توضیح می‌دهد که پیش از ایمان به مسیح تکیه او برای به دست آوردن لطف و برکات خدا بر معیاری زمینی قرار داشت، اما پس از ایمان، تکیه او فقط بر مسیح قرار گرفت. اما این، به آن دلیل نبود که او فاقد معیارهای زمینی بود. بلکه بر عکس، با معیارهای زمینی پولس می‌بایست در میان محبوبان خدا قرار می‌گرفت. به توصیف او از اعتبارات خود در فیلیپیان ۳: ۴-۶ گوش کنید:

اگر کسی دیگر گمان برد که در جسم اعتماد دارد، من بیشتر. روز هشتم مختون شده و از قبیله اسرائیل، از سبط بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت فریسی، از جهت غیرت جفا کننده بر کلیسا، از جهت عدالت شریعتی، بی‌عیب (فیلیپیان ۳: ۴-۶).

اگر یک بشر صرف می‌توانست با رعایت شریعت، شایسته برکات خدا شود، آن فرد پولس بود. اما حقیقت موضوع این است که هیچ بشری به اندازه کافی نیکو نیست که شایسته برکات نجات و حیات ابدی از طرف خدا باشد. و بنابراین، پولس از تکیه بر شایستگی‌های زمینی خود امتناع ورزید و فقط بر شایستگی مسیح تکیه کرد که خدا از طریق ایمان، به حساب او گذاشته بود. در عین حال، او روشن ساخت که صرف اعتراف به ایمان، برای تضمین نجات ما کافی نیست. بلکه در نقطه مقابل، ما باید در ایمان استقامت کنیم تا حیات جاودان را به دست بیاوریم. باید ایمان‌مان را حفظ کنیم و حیاتی مقدس داشته باشیم، وگرنه ثابت می‌کنیم که ایمان‌مان دروغین است. به همین دلیل است که او در فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۶ تاکید زیادی روی استقامت گذاشت، و درباره نجات در مسیح اینطور نوشت:

نمی‌گویم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام یا کامل شده‌ام، بلکه خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد... برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی به بالا فرا خوانده است... مهم این است که به هر مرحله‌ای که رسیده‌ایم، مطابق آن رفتار کنیم (فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۶، هزاره نو).

اعتراف به ایمان کافی نیست؛ ما باید ایمان خود را با استقامت ثابت کنیم. و اگر تا به آخر استقامت نکنیم، ایمان مان به مسیح برای نجات را حفظ نکنیم، و با زندگی مقدس به او وفادار نمائیم، اثبات می‌کنیم که ایمان مان دروغین بوده است.

نصایح پایانی پولس به چالش‌های پیش روی استقامت متعلق است که در فیلیپیان ۳: ۱۷-۴: ۹ به آنها پرداخت. این نصایح اساساً کاربرد نصیحت او به فیلیپیان برای پیروی از نمونه او در استقامت هستند. پولس در پرداختن به چالش‌های استقامت، فیلیپیان را تشویق کرد تا به معلمین کذب، منازعات در کلیسا، و یا گرفتاری‌های شخصی اجازه ندهند که باعث لغزش آنها در وفاداری‌شان به خدا بشوند. او با تمرکز بر راه‌هایی آغاز کرد که تعالیم غلط می‌توانست کلیسا را مورد هجوم قرار دهد و استقامت آن را تهدید کند. به فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹ گوش کنید که او این محکومیت تند را نوشت:

بسیاری چون دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند. عاقبت چنین کسان هلاکت است. خدای آنان شکم‌شان است و به چیزهای ننگ‌آور مباحثات می‌کنند، و افکارشان معطوف به امور زمینی است (فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹، هزاره نو).

واضح است که این دشمنان صلیب مسیح، ایمانداران نبودند. با این حال، آنها در جایگاه تهدید کلیسا بودند؛ شاید از آن رو که گفتاری متقاعدکننده داشتند، و یا شاید بر کلیسا تاثیرگذار بودند. موضوع هرچه که بود، پولس تاکید کرد که ایمانداران با رد تعالیم غلط دشمنان مسیح، در ایمان و عمل پاک مسیحی استقامت کنند. میل به دوری از رنج و مشکل، دلیلی کافی برای از دست دادن ایمان به انجیل نبود، و استدلال‌ات متقاعدکننده نیز جایگزینی برای قدرت خداوند نبودند. اما پولس هشدار داد که ایمانداران حقیقی در کلیسا می‌توانند باعث چالش استقامت ایمانداران دیگر بشوند. به عنوان یک مثال از این موضوع، او به مشکلی اشاره کرد که میان افودیه و سینتیخی وجود داشت. به کلام او در فیلیپیان ۴: ۱-۳ گوش کنید:

بنابراین، در خداوند استوار باشید ای عزیزان. از افودیه استدعا دارم و به سینتیخی التماس دارم که در خداوند یک رأی باشند. و از تو نیز ای همقطار خالص خواهش می‌کنم که ایشان را امداد کنی، زیرا در جهاد انجیل با من شریک می‌بودند (فیلیپیان ۴: ۱-۳).

افودیه و سینتیخی، با این منازعه نمی‌توانستند در یک زندگی مقدس استوار بایستند، و همچنین با تاثیری که داشتند تهدیدی برای استقامت دیگر ایمانداران در فیلیپی بودند.

و در آخر، پولس به فیلیپیان نصیحت کرد که اجازه ندهند گرفتاری‌های شخصی، مانع از استقامت آنها بشود. او آنان را تشویق کرد که نگاهی شادمانه در پیش بگیرند و اجازه ندهند که اضطراب باعث دلسردی‌شان شود. افکار او در این سخنان از فیلیپیان ۴: ۴-۷ به خوبی دیده می‌شود:

همیشه در خداوند شاد باشید؛ باز هم می‌گوییم: شاد باشید... برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه... درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. بدین‌گونه، آرامش خدا... دل‌ها و ذهن‌های‌تان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت (فیلیپیان ۴: ۴-۷، هزاره نو).

تعلیم کاربردی پولس این بود که ایمانداران باید از خدا بخواهند تا نگرانی‌های آنان را تسکین بدهد. در برخی موارد، شاید خدا این کار را از طریق برطرف ساختن شرایط مشکل‌آفرین انجام دهد. اما به نظر می‌رسد که در اکثر موارد، انتظار پولس این بود که تغییری قلبی و ذهنی در رویکرد و دیدگاه رخ بدهد.

### تایید استقامت

نهایتاً، پولس در فیلیپیان ۴: ۱۰-۲۰ بدنه اصلی این نامه را با چند کلمه درباره تایید استقامت فیلیپیان در ایمان و زندگی مسیحی، به‌خصوص از طریق خدمت مداوم آنان به خود پولس خاتمه داد. در این بخش، پولس از فیلیپیان به خاطر پولی که برای تسکین آلام او در زندان فرستاده بودند تشکر کرد. یادداشت تشکرآمیز پولس به آنان اطمینان داد که او پول را دریافت کرده و برای بهبود شرایط او مفید بوده است. اما به نظر می‌رسد بیشترین ارزشی که این پول برای پولس داشت، به لحاظ احساسی بوده است. به کلام او در فیلیپیان ۴: ۱۲-۱۴ گوش کنید:

معنی نیازمند بودن را می‌دانم، نیز معنی زندگی در وفور نعمت را. در هر وضع و حالی، رمز زیستن در سیری و گرسنگی، و بی‌نیازی و نیازمندی را فرا گرفته‌ام... با این حال، لطف کردید که در زحمات من شریک شدید (فیلیپیان ۴: ۱۲-۱۴، هزاره نو).

این پول احتمالاً بخشی از آلام پولس را کاهش داده است، اما رضایت او از سوی خدا می‌آمد. ارزش حقیقی این پول در لمس قلب پولس بود. این مسیحیان فقیر از طریق فداکاری خود برای پولس به او نشان می‌دادند که چقدر حقیقتاً او را دوست دارند.

زمان بهتری برای نشان دادن محبت فیلیپیان به پولس وجود نداشت. در این مقطع، حبس پولس بار سنگینی بر دوش او بود. او در رنج و یأس بود. تصور کنید چقدر برای او تسلی‌بخش بود که بداند افراد زیادی به او محبت داشتند و می‌خواستند در رنج او سهیم باشند.

شاید حتی فکر کنیم این فیلیپیان بودند که به پولس در غلبه بر یأس او کمک کردند. آیا توجه آنها بود که امید را به پولس باز گرداند؟ آیا محبت آنان بود که الهام‌بخش پولس در تصمیم وی برای شادی در میانه شرایط وحشتناک او شد؟ آیا رفاقت آنها بود که به پولس یادآوری کرد فراموش شده و تنها نیست؟ یک چیز قطعی است: اینکه پولس با تمام دل خود فیلیپیان را دوست داشت و هدیه آنها نمی‌توانست ثمری داشته باشد جز اینکه باعث تشویق و دلگرمی او شود.

### تحيات پایانی

در آخر، نامه با تحیات پایانی پولس در فیلیپیان ۴: ۲۱-۲۳ تمام می‌شود. این بخش نسبتاً معمولی است؛ هرچند یک جنبه از این تحیات پایانی، توضیح و تفسیری ویژه می‌طلبد.

به طور خاص، پولس در فیلیپیان ۴: ۲۲ از طرف مقدسانی که اهل خانه قیصر هستند، سلام می‌رساند. در دنیای باستان، اهل خانه قیصر شامل اعضای خانواده و خادمین او می‌شد؛ چه با او در یک محل زندگی می‌کردند یا نه. و خادمین او صرفاً به کارگران او محدود نمی‌شدند؛ بلکه شامل محافظین شخصی وی و بسیاری از کارمندان دولت نیز می‌شد.

اشاره پولس به اهل خانه قیصر باعث شده تا بسیاری از مفسرین کتاب مقدس نتیجه بگیرند او از روم نامه را نوشته است؛ جایی که قیصر یک زندگی و خانواده واقعی را اداره می‌کرد. اما ما نباید عجولانه چنین نتیجه‌ای بگیریم. حقیقت این است که تمام کارمندان دولت و محافظان در اطراف امپراتوری، بخشی از خانه او حساب می‌شدند و این شامل ساکنین قیصریه ماریتیمای نیز می‌شد.

موضوع هرچه که باشد، اشاره پولس به ایمانداران خانه قیصر نشان می‌دهد که حبس پولس مانع از خدمت انجیل او نشد. بلکه در نقطه مقابل، پولس به شاگردسازی حتی در بین آنانی که را به زندان انداخته بودند ادامه داد. پس از بررسی پیش‌زمینه، و نیز ساختار و محتوای رساله پولس به فیلیپیان، اکنون می‌توانیم به کاربرد امروزی تعالیم پولس در این نامه بپردازیم.



## کاربرد امروزی

نیازی به بیان نیست که رساله به فیلیپیان می‌تواند به اشکال متعددی در زندگی امروزی ما کاربرد داشته باشد. اما در این درس بر تلاش پولس برای تشویق دیگران در رویارویی با آنچه که شاید آخرین روزهای او بر زمین بوده است تمرکز می‌کنیم. از این منظر، یک موضوع برجسته می‌شود: تشویق فیلیپیان توسط پولس برای استقامت — اینکه به سلوک وفادارانه خود در حضور خدا ادامه دهند. در دقت به معنای امروزی رساله فیلیپیان برای ما، توجه‌مان را بر این جنبه از نامه پولس متمرکز می‌کنیم.

همین‌طور که به مفاهیم رساله پولس به فیلیپیان برای زندگی مسیحی امروزی فکر می‌کنیم، به بررسی سه جنبه از استقامت مسیحی خواهیم پرداخت: نخست، به واکاوی ماهیت استقامت می‌پردازیم. دوم، ذهنیت استقامت را بررسی می‌کنیم. و سوم، درباره خدمتی که کلیسا می‌تواند درباره استقامت انجام دهد بحث خواهیم کرد. بیایید اول به ماهیت استقامت بپردازیم.

## ماهیت استقامت

آسان‌ترین راه برای درک تعالیم پولس در فیلیپیان درباره استقامت، تحت سه عامل اصلی است: تعریف استقامت؛ ضرورت استقامت؛ و تضمین استقامت. اجازه بدهید با تعریف استقامت شروع کنیم.

## تعریف

پولس استقامت را تحت اندیشه دوگانه ایمان حقیقی و زندگی درست کارانه به تصویر کشید. از یک سو، استقامت به معنای حفظ ایمان مان به انجیل مسیح، و تکیه صرف بر او برای وضعیت مبرا شمرده‌گی در حضور خدا است. پولس در فیلیپیان ۱: ۲۷ در این‌باره نوشت و امید خود برای آنان را با این کلمات بیان کرد:

خاطرم آسوده باشد که در یک روح استوارید و چون یک تن، دوش به دوش برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید (فیلیپیان ۱: ۲۷، هزاره نو).

ما به عنوان ایمانداران، می‌باید در تعهدمان به انجیل استوار بمانیم و هرگز از باورهای مان دست نکشیم. وقتی از استقامت در ایمان صحبت می‌کنیم، منظورمان همین است.

ایمان حقیقی به انجیل مسیح را می‌توان به طرق متعددی تعریف کرد، اما به تمرکز اصلی ایمان مسیحی که پولس در فیلیپیان ۳: ۸-۹ توصیف کرد گوش کنید:

همه چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می‌دانم که به خاطر او همه چیز را زیان کردم و فضله شمردم تا مسیح را دریابم. و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است، بلکه با آن که به وسیله ایمان مسیح می‌شود، یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان است (فیلیپیان ۳: ۸-۹).

پولس در این بخش نشان داد که تمام موقعیت‌های انسانی او و اعمال نیکویش، برای به دست آوردن نجات و مبرا شمردگی بی‌فایده بودند. تنها چیزی که می‌توانست نجات را برای او به بار بیاورد، بی‌گناهی مسیح بود که از طریق ایمان به حساب او گذاشته می‌شد.

مادامی که تکیه‌مان برای مبرا شمردگی تنها بر شایستگی مسیح باشد، استقامت می‌کنیم - یعنی در ایمان‌مان استوار می‌ایستیم. البته، این به معنای آن نیست که استقامت هرگز به شک اعتراف نمی‌کند. بلکه منظور این است که ایمان استوار، هرگز کاملاً و نهایتاً حقیقت انجیل را انکار نمی‌کند. به علاوه، برخورداری از ایمان حقیقی مسیحی به این معنی نیست که ما الاهیاتی عالی و کامل داریم. ممکن است ما اشتباهات بسیار زیادی در الاهیات خود داشته باشیم، اما همچنان به اصول اساسی انجیل وفادار بمانیم. اما وقتی که دیگر به این حقیقت محوری باور نداشته باشیم که ما فقط و فقط توسط مسیح نجات پیدا می‌کنیم، آنگاه حقیقتاً در استقامت خود شکست خورده‌ایم. پولس علاوه بر تعریف استقامت تحت ایمان حقیقی، از استقامت تحت زندگی درست‌کارانه نیز سخن گفت که به معنای ثابت‌قدمی در انجام اعمال نیکو و ستوده است. برای نمونه، او در فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳ اینطور گفت:

پس ای عزیزان من چنانکه همیشه مطیع می‌بودید... نجات خود را به ترس و لرز به عمل آورید. زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳).

در اینجا پولس از تداوم در انجام اعمال نیکو، و عمل به روش‌هایی سخن گفت که در هماهنگی با نجات است. البته استقامت در انجام اعمال نیکو به معنی زندگی عالی نیست. ما هرگز در این زندگی به کمال نمی‌رسیم و گاهی به طور جدی لغزش می‌خوریم. بلکه یعنی وقتی در تلاش برای اطاعت وفادارانه از مسیح می‌کوشیم، در انجام اعمال نیکو استقامت به خرج خواهیم داد.

## ضرورت

پولس نمی‌خواست که ایمانداران تنها از تعریف استقامت آگاه باشند؛ بلکه او می‌خواست ضرورت استقامت در ایمان و حیات برای به دست آوردن نجات را نیز درک کنند تا به واقع برای پایداری انگیزه داشته باشند. به سخنان پولس در فیلیپیان ۳: ۸-۱۱ گوش کنید:

همه چیز را نیز به سبب فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می‌دانم که به خاطر او همه چیز را زیان کردم و فضله شمردم تا مسیح را دریابم. و در وی یافت شوم نه با عدالت خود که از شریعت است، بلکه با آن که به وسیله ایمان مسیح می‌شود... مگر به هر وجه به قیامت از مردگان برسم (فیلیپیان ۳: ۸-۱۱).

به بیان ساده، پولس تعلیم داد که اگر ما در حفظ ایمان حقیقی شکست بخوریم، در مسیح یافت نخواهیم شد و بنابراین، در یک حیات ابدی و پر جلال قیام نخواهیم کرد. به عبارت دیگر، استقامت در ایمان برای نجات نهایی ما ضروری است.

به طریق مشابه، او در فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۶ نصایح خود درباره زندگی درست کارانه را ارائه داد:

هر کاری را بدون همهمه و مجادله بکنید، تا بی‌عیب و ساده‌دل و فرزندان خدا بی‌ملامت باشید، در میان قومی کج‌رو و گردن‌کش که در آن میان چون نیرها در جهان می‌درخشید... به جهت فخر من در روز مسیح تا آنکه عبث ندویده و عبث زحمت نکشیده باشم (فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۶).

با احتراز از همهمه و مجادله - که با زندگی درست کارانه رخ می‌دهد - فیلیپیان می‌توانستند بی‌ملامت و ساده‌دل شوند، و بنابراین پولس می‌توانست به خدمت خود ببالد. اما اگر در استقامت خود شکست می‌خوردند، نشان می‌دادند که فرزندان خدا نیستند، و حقیقتاً به مسیح اعتماد نکرده‌اند و در روز آخر نجات نمی‌یافتند. این درباره ما نیز صدق می‌کند: اگر در زندگی درست کارانه استقامت به خرج ندهیم، ثابت می‌کنیم که ایماندار نیستیم، و نجات نخواهیم یافت.

برای بسیاری از ما، شاید تعالیم پولس درباره تعریف و ضرورت استقامت ترسناک و یا حتی خشن به نظر برسند. اما آموزه پولس جنبه سومی نیز داشت که بسیار دلگرم‌کننده است؛ یعنی تضمین استقامت. در نور این تضمین، تعالیم پولس درباره استقامت نه تهدیدی برای ایمانداران، بلکه مایه تسلی هستند.

### تضمین

پولس به فیلیپیان اطمینان داد که تمام ایمانداران حقیقی، مطمئناً در ایمان و زندگی درست کارانه استقامت به خرج خواهند داد و بنابراین، نجات ما تضمین شده است. این همچنان حقیقت دارد که بسیاری، اعتراف دروغین به ایمان خواهند داشت و در عمل در پایداری شکست می‌خورند. اما اینها افرادی هستند که هرگز از اول ایمان

نجات‌بخش نداشتند. در طرف دیگر، آنانی که ایمان‌شان حقیقی است، روح‌القدس را دارند که در آنها کار، و استقامت آنان را تضمین می‌کند. به آنچه پولس در فیلیپیان ۱: ۶ نوشت گوش دهید:

به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید (فیلیپیان ۱: ۶).

پولس مطمئن بود که اگر خدا نجات فیلیپیان را آغاز کرده بود، کار نجات آنان را به پایان نیز می‌رساند. خدا اجازه نمی‌داد که هیچ یک از آنها هلاک شوند، بلکه باعث می‌شود تمام ایمانداران حقیقی تا روز عیسی مسیح پایداری کنند. اطمینان پولس، باید اطمینان ما نیز باشد. اگر ما حقیقتاً ایمان داریم، امکان ندارد که از ایمان یا فیض بیفتیم. پولس این موضوع را در فیلیپیان ۲: ۱۳ تأیید کرد و این جملات دلگرم‌کننده را نوشت:

نجات خود را به ترس و لرز به عمل آورید. زیرا خداست که در شما بر حسب رضامندی خود، هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳).

ترسی که باید داشته باشیم، وحشت از این نیست که در نهایت از فیض جدا خواهیم افتاد، بلکه آن هیبت منکوب‌کننده‌ای است که از تشخیص عمل خدای قادر رخ می‌دهد که درون هر یک از ما کار می‌کند تا مطمئن شود آنچه فکر می‌کنیم و انجام می‌دهیم همان چیزی است که او می‌خواهد. او قلب و ذهن ما را برای اهداف نیکوی خود به دست می‌گیرد که شامل استقامت ما نیز می‌شود و بنابراین، ممکن نیست که در پایداری تا به انتها، شکست بخوریم.

### ذهنیت استقامت

حال که ماهیت استقامت را بررسی کردیم، می‌توانیم درباره‌ی ذهنیت استقامت صحبت کنیم که ایمانداران می‌باید اتخاذ کنند. ما در بحث خود بر سه جنبه از ذهنیت‌مان که پولس در رساله‌اش به فیلیپیان بر آنها تأکید کرد متمرکز می‌شویم: فروتنی، خوش‌بینی، و شادی. بیایید ابتدا به این اندیشه‌ی پولس نگاه کنیم که ذهنیت ما می‌باید بر اساس فروتنی باشد.

### فروتنی

پولس به عنوان رسول مقتدر خداوند عیسی مسیح، فرصت‌های بسیاری برای تکبر داشت. خدا به طور خارق‌العاده‌ای او را برای راهبری تعلیم داده بود؛ او پولس را فرای همهٔ دیگران انتخاب کرده بود تا انجیل را نزد غیر یهودیان ببرد، و معجزات بسیاری از طریق وی به عمل آورد. در تمام کلیساها، پولس از احترامی مانند یک قهرمان برخوردار بود.

به همین خاطر، وقتی که او در زندان رنج می‌کشید، می‌توانست وسوسه شود که فکر کند، «چرا خدا در بین تمام مردم، اجازه داد که این موضوع برای من اتفاق بیفتد؟ من کاملاً به او وفادار بودم، و با اینحال او از برکت دادن من امتناع می‌کند. من لایق بهتر از این هستم.» اما به چالش کشیدن نیکویی خدا احمقانه و اشتباه است. پولس این را می‌دانست و در حقیقت، دلایل بسیاری برای فروتنی در حضور خدا داشت. و با پذیرش این حقیقت، خود را آماده کرد تا توسط خدا بنا شود و در طی دشواری‌هایی که با آنها روبرو بود، استقامت کند.

پولس در این رابطه، ذهنیت عیسی را سرمشق ذهنیت خود قرار داد که با ارادهٔ خود، خویشتن را فروتن ساخت تا برکات خدا را برای خودش و ما به دست بیاورد. در حقیقت، پولس برای تقویت نصایح خود دربارهٔ فروتنی بخش معروف «سرود مسیح» را نوشت که در فیلیپیان ۲: ۶-۱۱ آمده است.

بعضی از محققین اینطور اظهار می‌کنند که این آیات از سرودی تشکیل شده‌اند که حتی پیش از نگارش نامهٔ پولس به فیلیپیان نیز در کلیسا شناخته شده بود. برخی دیگر از محققین گمان می‌کنند که پولس این آیات را به طور خاص برای این مناسبت نوشته است. اما منبع آنان هرچه که باشد، معنای این آیات روشن هستند: عیسی فروتن است و ما می‌باید او را سرمشق خود قرار دهیم.

این متن مسیح را در سه مرحله از تاریخ توصیف می‌کند: وضعیت او پیش از تجسم، فروتنی او، و سرافرازی او. ابتدا پولس دربارهٔ حالت مسیح پیش از جسم پوشیدن او صحبت می‌کند. در آن زمان، مسیح به عنوان پسر خدا وجود داشت، در اتحادی عالی و کامل با پدر و روح‌القدس می‌زیست، و در قدرت و جلال با آنها برابر بود. پولس وضعیت پیش از تجسم مسیح را در فیلیپیان ۲: ۶ توصیف کرد و اینطور نوشت:

[مسیح که] در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد (فیلیپیان ۲: ۶).

این آیه دست‌کم دو چیز را دربارهٔ مسیح به ما می‌گوید: نخست، پیش از آنکه مسیح شکل انسان به خود بگیرد، در جلال بود. یا همانطور که پولس می‌گوید، مسیح «ذات» یا «شکل» خدا را داشت. واژهٔ یونانی‌ای که پولس استفاده کرد، «مورفی» (morphē) بود که عموماً به شکل بیرونی یک نفر اشاره می‌کند. البته واضح است که منظور

پولس این نبود که مسیح صرفاً شبیه خدا بود. بلکه بر عکس، ظاهر بیرونی او بر این واقعیت بنیادین شهادت می‌داد که مسیح در حقیقت خدا بود.

دوم، پولس نشان داد که مسیح فروتن بود. حتی پیش از آنکه پسر ازلی آن را به تصویر بکشد، با تمایل خود برای در بر گرفتن ذات یا شکلی دیگر – که همان بشریت ما است – این فروتنی را نشان داد. به طور خاص، پولس نوشت که مسیح، «با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد.» در اینجا پولس از کلمه ایسوس (isos) برای اشاره به «برابری» یا «هماندی» مسیح با خدا استفاده کرد. منظور او این بود که «شکل» یا «جلال بیرونی» مسیح همانند جلالی بود که خدای پدر در معرض نمایش گذاشته بود، اما مسیح تمایل داشت تا از وضعیت جلال قانونی و آسمانی خود برای خشنودی پدر و پرداخت بهای نجات ما، دست بکشد.

سپس، پولس به توصیف فروتنی مسیح پرداخت که دوره حیات زمینی اوست که با شکل‌گیری نطفه‌اش در رحم مریم آغاز می‌شود و تا به مرگ او بر صلیب ادامه پیدا می‌کند. به سخنان پولس درباره فروتنی مسیح در فیلیپیان ۲: ۷-۸ گوش کنید:

[مسیح] خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد؛ و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید (فیلیپیان ۲: ۷-۸).

همسو با کلام پولس درباره مسیح پیش از تجسم، این آیات نیز دست‌کم دو نکته درباره مسیح در طی وضعیت فروتنی او به ما می‌گویند. اول، فروتنی مسیح حقیرانه بود. به این معنی که، پسر خدا جلال الهی خود را کنار گذاشت تا ذات یا شکل انسانی به خود بگیرد. دوباره، پولس از واژه یونانی مورفی استفاده کرد تا نشان دهد که مسیح شکل بیرونی خود را عوض کرد و بنابراین دیگر آن جلال الهی را به نمایش نمی‌گذاشت، بلکه در عوض نمای بیرونی ساده یک انسان را در معرض دید می‌گذاشت.

درست همانطور که شکل الهی مسیح نشان می‌داد که او حقیقتاً و کاملاً الهی است، شکل انسانی مسیح نشان داد که او حقیقتاً و کاملاً انسان بود. اما مهم است که تشخیص دهیم مسیح برای انسان شدن، هیچ کدام از صفات الهی خود را کنار نگذاشت. بلکه، او تنها یک ذات کامل انسانی را به ذات کامل الهی خود افزود؛ طوری که می‌توان به درستی بیان کرد او کاملاً انسان و کاملاً خدا بود.

دوم، فیلیپیان ۲: ۷-۸ تایید می‌کند که مسیح فروتن بود. درست همانطور که او مایل بود تا شکل پر جلال پیش از تجسم خود را کنار بگذارد، او در عمل این شکل را در دوره فروتنی خود کنار گذاشت. در حقیقت، فروتنی او آنچنان از حد گذشته بود که او اجازه داد تا توسط مخلوقاتی که شکل آنها را به خود گرفته بود کشته شود.

در آخر، پولس مسیح را در حالت سرافرازی او توصیف کرد که با قیام از مردگان و صعود وی به آسمان شروع شد و اکنون در حکمرانی او بر خلقت ادامه دارد. پولس درباره سرافرازی مسیح در فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ نوشت و آن را اینطور توصیف کرد:

خدا نیز او را به غایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نام‌ها است، بدو بخشید. تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱).

دوباره، پولس دو نکته بسیار مهم درباره مسیح را طی این حالت او نشان داد: نخست، مسیح شکل پر جلال خود را دوباره با تعالی به جایگاه حکمران جهان هستی که نزد او هر مخلوقی برای تسلیم و پرستش سر خم می‌کند، به دست آورد. دوم، مسیح فروتنی خود را حتی در این جایگاه سرافرازی و حاکمیت مطلق پر جلال بر جهان هستی ادامه داد. از آنجا که حتی حکمرانی او بر خلقت نه برای جلال خودش، بلکه برای جلال پدر بود. پولس این اندیشه‌ها را در رساله به فیلیپیان ارائه داد چون می‌خواست که ایمانداران از نمونه مسیح پیروی کنند. گذشته از همه چیز، اگر پسر خدا مایل بود تا خود را به چنین فروتنی تحقیرآمیزی بسپارد، قطعاً خدمت‌گزاران او نیز می‌باید فروتن باشند. و اگر فروتنی مسیح به او کمک کرد تا در طی رنج و مرگ خویش استقامت به خرج دهد، پس فروتنی می‌تواند به ما نیز در پایداری مان کمک کند. منظور پولس در فیلیپیان ۲: ۲-۴ دقیقاً همین بود که نوشت:

با هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک‌دل بشوید و یک فکر داشته باشید. و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. و هر یک از شما ملاحظه کارهای خود را نکند، بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز (فیلیپیان ۲: ۲-۴).

فروتنی به ما کمک می‌کند تا در ایمان و زندگی درست کارانه استقامت کنیم. از یک سو، ما را قادر می‌سازد تا همفکر شویم، اتحاد ایجاد کنیم، نسبت به دیگران محبت و احترام داشته باشیم، و خدمت‌گزار نیازهای آنان باشیم. و از طرف دیگر، به ما کمک می‌کند که به یاد داشته باشیم خدای پدر شایسته اعتماد و وفاداری ما است؛ حتی وقتی که در شرایط تیره‌روزی هستیم، شکنجه می‌شویم، و به شهادت می‌رسیم.

### خوش‌بینی

پولس در کنار تشویق ایمانداران به فروتنی به عنوان وسیله‌ای برای استقامت، بر اهمیت خوش‌بینی نیز تاکید کرد که به معنای دیدگاهی مثبت و امیدوار به زندگی است. در دنیای مدرن، غیرمعمول نیست که بشنومیم مردم درباره‌ی خوش‌بینی به عنوان یک تلاش ساده‌لوحانه صحبت کنند که در آن، فردی می‌خواهد با دنیای حقیقی دست و پنجه نرم نکند و تظاهر کند که امور، از آن چیزی که هست بهتر هستند. اما خوش‌بینی پولس به این شکل نبود. خوش‌بینی او واقع‌گرایانه بود. او از موارد بد زندگی چشم‌پوشی نکرد — بلکه در حقیقت احساس می‌کرد که از سوی آنها مورد تهدید است. خوش‌بینی پولس در دل خود یک تصمیم آگاهانه برای تمرکز بر اموری بود که حقیقتاً نیکو بودند و نه آن اموری که به راستی بد بودند. این خوش‌بینی نشئت گرفته از ایمان او به مہیاگری خدا و برکات او در این دنیای حاضر، و نیز امید او به رستگاری و پاداشی بود که خدا در آینده به ما خواهد داد.

برای مثال، در طی دوران آلام او در زندان، در حالیکه از طرف واعظین ریاکار انجیل با مشکلات روبرو بود، تصمیم گرفت بر برکت اینکه مسیح موعظه می‌شود تمرکز کند؛ حتی با وجود اینکه واعظین انگیزه‌های شریانه‌ای داشتند. او به کلام او در فیلیپیان ۱: ۱۷-۱۸ گوش کنید:

آنان از سرِ جاه‌طلبی به مسیح وعظ می‌کنند، نه با خلوص‌نیت، با این گمان که بر رنج‌های من در زندان می‌افزایند. اما چه باک؟ مهم این است که به هر صورت، مسیح موعظه شود، چه نیت درست باشد، چه نادرست! و من از این بابت شادمانم (فیلیپیان ۱: ۱۷-۱۸، هزاره‌نو).

وضعیت عاطفی پولس پیچیده بود. از یک طرف رنج می‌کشید. اما از طرف دیگر، او آگاهانه تصمیم گرفت تا به جای تمرکز بر امور بد، به امور نیکو توجه کند. و این انتخاب به او کمک کرد تا رنج‌هایش در زندان، و نیز بدرقتاری این واعظین را تحمل کند. توصیه‌ی پولس به کلیسا در فیلیپیان ۴: ۶-۸، در راستای همین رویکرد بود. به سخنان او در این بخش توجه کنید:

برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواست‌های خود را به خدا ابراز کنید. بدین‌گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دل‌ها و ذهن‌های‌تان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت. در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است، هرآنچه والا است، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست‌داشتنی و هرآنچه ستودنی است، بدان ببینید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تأمل کنید (فیلیپیان ۴: ۶-۸، هزاره‌نو).



تفکر خوش‌بینانه و مبارزه علیه اضطراب و دل‌سردی، وسیله‌ای است برای درخواست از خدا تا از دل و ذهن ما محافظت کند. و به همین خاطر، وسیله‌ای برای استقامت نیز هست.

### شادی

نهایتاً، پولس تعلیم داد که علاوه بر فروتنی و خوش‌بینی، شادی نیز کمک بزرگی در استقامت مسیحی است. خود پولس نیز بر شادی یافتن متمرکز شد تا بتواند در شرایط پر اضطراب خویش استقامت داشته باشد. او با سرمشق خود، ایمانداران فیلیپی را نیز تشویق کرد تا همین کار را انجام بدهند. برای نمونه، او در فیلیپیان ۱: ۱۸-۲۰ درباره شادی خویش اینطور صحبت کرد:

باز هم شادی خواهم کرد، زیرا می‌دانم که با دعاهای شما و یاری روح عیسیای مسیح، اینها به نجات من خواهد انجامید، چنانکه مشتاقانه انتظار می‌کشم و امید دارم که... مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در مرگ و خواه در زندگی (فیلیپیان ۱: ۱۸-۲۰، هزاره نو).

پولس ترسی مشروع داشت که شاید به قتل برسد. با این وجود، به جای تمرکز بر جوانب منفی مرگش، بر نتایج مثبتی که مرگ او می‌توانست به همراه داشته باشد متمرکز شد. او خوش‌بین بود و در نتیجه، می‌توانست شاد باشد.

دقت کنید که در این مورد، شادی پولس یک انکار ساده‌لوحانه درد و رنج، و یا یک احساس خوشبختی بیش از حد نبود. بلکه بر عکس، همانطور که دیدیم، احساسات پولس به میزان زیادی از اندوه و رنج نیز آمیخته بود. اما پولس علی‌رغم مشکلاتش، به راستی قادر بود که امور نیکوی زندگی را ببیند و از آنها شادی کند. او می‌توانست به تکریم مسیح از طریق یک مرگ دلیرانه فکر کند و در سرافرازی مسیح از آن خشنود باشد - حتی لذت ببرد. و آن رضایت و لذت، باعث شادی می‌شد. پولس نه تنها احساس شادی می‌کرد، بلکه شادی حقیقی را تجربه کرد. این شادی او را مایل می‌ساخت که پیش برود و به رنج‌های او معنا بخشید.

پولس دوستان خود در فیلیپی را نیز تشویق کرد تا چنین رویکردی در پیش بگیرند تا شادی آنان به استقامت‌شان کمک کند. گوش کنید که او در فیلیپیان ۴: ۴-۶ چه نصیحتی به آنها کرد:

در خداوند دائماً شاد باشید. و باز می‌گوییم شاد باشید... خداوند نزدیک است. برای هیچ چیز اندیشه نکنید (فیلیپیان ۴: ۴-۶).

پولس فیلیپیان را تشویق کرد تا شاد باشند چون خداوند نزدیک بود، چه به عنوان کمک آنان در زمان نیازشان، و چه به عنوان پادشاه که بر می‌گشت تا سلطنت صلح خود را بر تمام زمین برپا کند. در هر دو مورد، شادی به فیلیپیان انگیزه می‌بخشید و آنها را قادر می‌ساخت تا اضطراب را از خود دور کنند. و به همین خاطر، این آنها را آماده استقامت تا بازگشت خداوند می‌کرد.

با سرمشق‌گیری از ذهنیت پولس، با تمرکز بر فروتنی، خوش‌بینی، و شادی، می‌توانیم خودمان را در برابر یأس و اضطراب تقویت کنیم. بدیهی است که دشواری‌ها به ما رو می‌کنند و رنج خواهیم کشید – حتی گاهی به سختی. بنابراین، وقتی که دشواری و رنج روی می‌دهد باید نمونه و نصیحت پولس را به یاد بیاوریم. ما باید رنج‌مان را با روحیه‌ای فروتن تحمل کنیم و با تفکر دربارهٔ بسیاری از چیزهای خوبی که در این زندگی و زندگی آینده داریم، امیدوار بمانیم. باید با تصمیمی آگاهانه برای شادی کردن از اموری در زندگی‌مان که همچنان ارزش شادی دارند، بر شرایط مشکل‌مان غلبه کنیم. از این راه‌ها می‌توانیم با کمک خدا تقویت شویم تا استقامت کنیم.

### خدمت استقامت

اکنون که ماهیت و ذهنیت استقامت را بررسی کردیم، آماده‌ایم تا به سومین موضوع بپردازیم: خدمتی که کلیسا می‌تواند دربارهٔ استقامت انجام دهد که از طریق اعمال ما نسبت به یکدیگر بیان می‌شود. پولس تشخیص داده بود که خدمت فیلیپیان به او، به او کمک کرده بود تا در مراحل زیادی از خدمت خود استقامت کند؛ که شامل حبس کنونی او نیز می‌شد. در مواقع زیادی، آنها از لحاظ مالی و عاطفی او را پشتیبانی کرده بودند. حتی اپافرودیتوس را فرستاده بودند تا در زندان به او خدمت کند. ما می‌توانیم خدمت آنان به پولس را تحت عبارات پشتیبانی مادی، دلگرمی، و حضور فیزیکی خلاصه کنیم. در هر یک از این راه‌ها، فیلیپیان روحیهٔ پولس را تقویت کردند و به او برای استقامت بیشتر قوت دادند.

برای مثال، به کلمات از دل برآمدهٔ پولس در فیلیپیان ۴: ۱۳-۱۴ گوش کنید:

قدرت هر چیز را دارم در او که مرا نیرو می‌بخشد. با این حال، لطف کردید که در زحمات من شریک شدید (فیلیپیان ۴: ۱۳-۱۴، هزارهٔ نو).

این آیات به نوعی، چکیدهٔ خدمت فیلیپیان به پولس، و احساسات او نسبت به آنان است. پیش از آنکه اپافرودیتوس بیاید و هدیهٔ فیلیپیان را به دست پولس برساند، او از خداوند برای استقامت قوت می‌گرفت، اما از پشتیبانی معنوی زیادی از طرف دیگران برخوردار نبود و در نتیجه، خوش‌بینی و شادی او کم‌رنگ شده بودند. او پایداری می‌کرد، ولی کار بسیار سختی بود. اما هدیهٔ فیلیپیان پشتیبانی مادی‌ای بود که به نوعی آرام

او را کاهش داد و استقامت را کمی آسان تر کرد. نگرانی آنها برای او که از طریق ارسال هدیه و اپافرودیتوس ابراز شد، او را دلگرمی بخشید و به او کمک کرد تا خوش بینی و شادی خود را دوباره به دست بیاورد. و البته، حضور فیزیکی اپافرودیتوس نه تنها خدمتی به نیازهای زمینی پولس بود، بلکه به او همراه و دوستی بخشید که برای استقامتی بس فراتر، یاری دهنده بود.

بنابراین، پولس با تشکری از صمیم قلب به فیلیپیان گفت که لطف کرده‌اند که در زحمات او شریک شده‌اند. پولس واقعا و صادقانه قدردان خدمت آنها بود. برای او تسلی و شادی عظیمی بود که آنها را دوستان خود به حساب بیاورد که به او دلگرمی می‌بخشیدند و به او کمک می‌کردند تا با قوی نگه داشتن ایمان خود، و زندگی به شیوه‌ای که باعث تکریم مسیح شود، استقامت کند.

پولس قصد داشت که خدمت او نیز به فیلیپیان کمک کند تا در سختی‌های خودشان استقامت کنند. همانطور که در فیلیپیان ۱: ۳-۴ می‌خوانیم، او برای آنها دعا کرد. او همچنین رساله خود را برای آنان نوشت تا به آنها تعلیم دهد که چطور استقامت کنند. و علاوه بر این، او اپافرودیتوس را فرستاد تا احتمالا به عنوان یک راهبر در کلیسا، به آنها خدمت کند.

ما می‌توانیم در کلیسای امروزی، از شیوه خدمت فیلیپیان به پولس با ارائه پشتیبانی مادی، درس‌های زیادی بیاموزیم. جمعیت زیادی از مسیحیان در همه جای دنیا هستند که احتیاجات مادی بسیاری دارند. برخی آنچنان فقیر هستند که یافتن غذا و لباس، چالشی دائمی برای آنها است. برخی دیگر، مورد ظلم افراد شریر واقع می‌شوند. بعضی حتی به بردگی فروخته می‌شوند و مورد سوءاستفاده شدید قرار می‌گیرند. و البته احتیاجات مادی حقیقی دیگری هم هستند که به چشمگیری اینها نیستند، اما مسیحیان در همه جای دنیا با آنها روبرو هستند. یکی از راه‌هایی که ما می‌توانیم به این ایمانداران خدمت کنیم، به آنان امید ببخشیم و برای استقامت یاری‌شان دهیم، این است که احتیاجات مادی آنها را بر آورده کنیم.

همچنین می‌توانیم درس بزرگی از فیلیپیان بیاموزیم که با محبت و دلگرمی بخشیدن به پولس خدمت کردند. آنها نه تنها برای پولس پول فرستادند، بلکه محبت خود را هم برای او فرستادند. آنها از طریق اپافرودیتوس به پولس اعلام کردند که به او فکر می‌کنند و او در دل‌شان جا دارد؛ همانطور که فیلیپیان نیز در دل پولس جا داشتند.

مسیحیان امروزی نیز برای استقامت به تشویق و دلگرمی نیاز دارند. می‌توانیم در کلیسا، از طریق تلفن، نامه یا یک قاصد، و نیز به روش‌های فراوان دیگر، سخنان تشویق‌آمیزی به آنها بگوییم. اما نکته این است که باید همه تلاش خود را بکنیم تا به مردم بگوییم که آنها مورد محبت هستند و فراموش شده نیستند.

فراتر از این، می‌توانیم شخصا با مردم وقت بگذرانیم؛ با امور ساده‌ای مانند کنار آنها نشستن، با آنها بودن، کمک به آنان در احتیاجات فیزیکی‌شان؛ درست همانطور که فیلیپیان اپافرودیتوس را نزد پولس فرستادند. حتی در

کلیسا، افراد زیادی تنها هستند و به یک دوست احتیاج دارند. بسیاری دیگر در امور ساده‌ای مانند خرید و نظافت، یا مراقبت از خودشان و خانواده‌شان نیاز به کمک دارند. حضور فیزیکی در کنار ایمانداران، راه خوبی دیگری برای کمک به استقامت آنان است.

همچنین می‌توانیم از روش‌های خدمت پولس به فیلیپیان درس‌های زیادی بیاموزیم. می‌توانیم استقامت را از طریق توصیه‌های آموزه‌ای و عملی به آنها تعلیم بدهیم. اگر در مناصب راهبری کلیسایی هستیم، می‌توانیم کلیسا را به شیوه‌ای تشویق‌آمیز و مسئولیت‌پذیر هدایت کنیم که با حرف و عمل نشان دهد استقامت امری ممکن و خداشناسانه است. و فارغ از اینکه که هستیم و کجا هستیم، همیشه می‌توانیم دعا کنیم و خدا در پاسخ به درخواست‌های ما، خود به دیگر ایمانداران برای استقامت قوت خواهد بخشید.

### نتیجه‌گیری

در این درس به بررسی رساله کانی پولس به فیلیپیان پرداختیم که شامل پیش‌زمینه آن که محتوای تاریخی و اجتماعی نامه را شکل می‌دهد؛ خود ساختار و محتوای نامه؛ و در نهایت کاربرد امروزی این نامه در حیات کلیسای مسیحی می‌شد.

رساله پولس به فیلیپیان حقایق غنی و شگفت‌انگیز بسیاری دارد که به ما درباره پایداری در ایمان مسیحی و زندگی درست کارانه در حضور خدا - حتی در زمان‌های رنج و اضطراب - تعلیم می‌دهد. وقتی خود را به تعالیم پولس می‌سپاریم، اهمیت بالای استقامت را تشخیص می‌دهیم و تشویق می‌شویم تا خود را به این امر عالی وقف کنیم. و از همه مهم‌تر، وقتی با پیروی از توصیه پولس در استقامت خودمان پیش می‌رویم و به دیگران برای استقامت کمک می‌کنیم، باعث جلال و تکریم خداوند سرافرازمان عیسی مسیح می‌شویم.